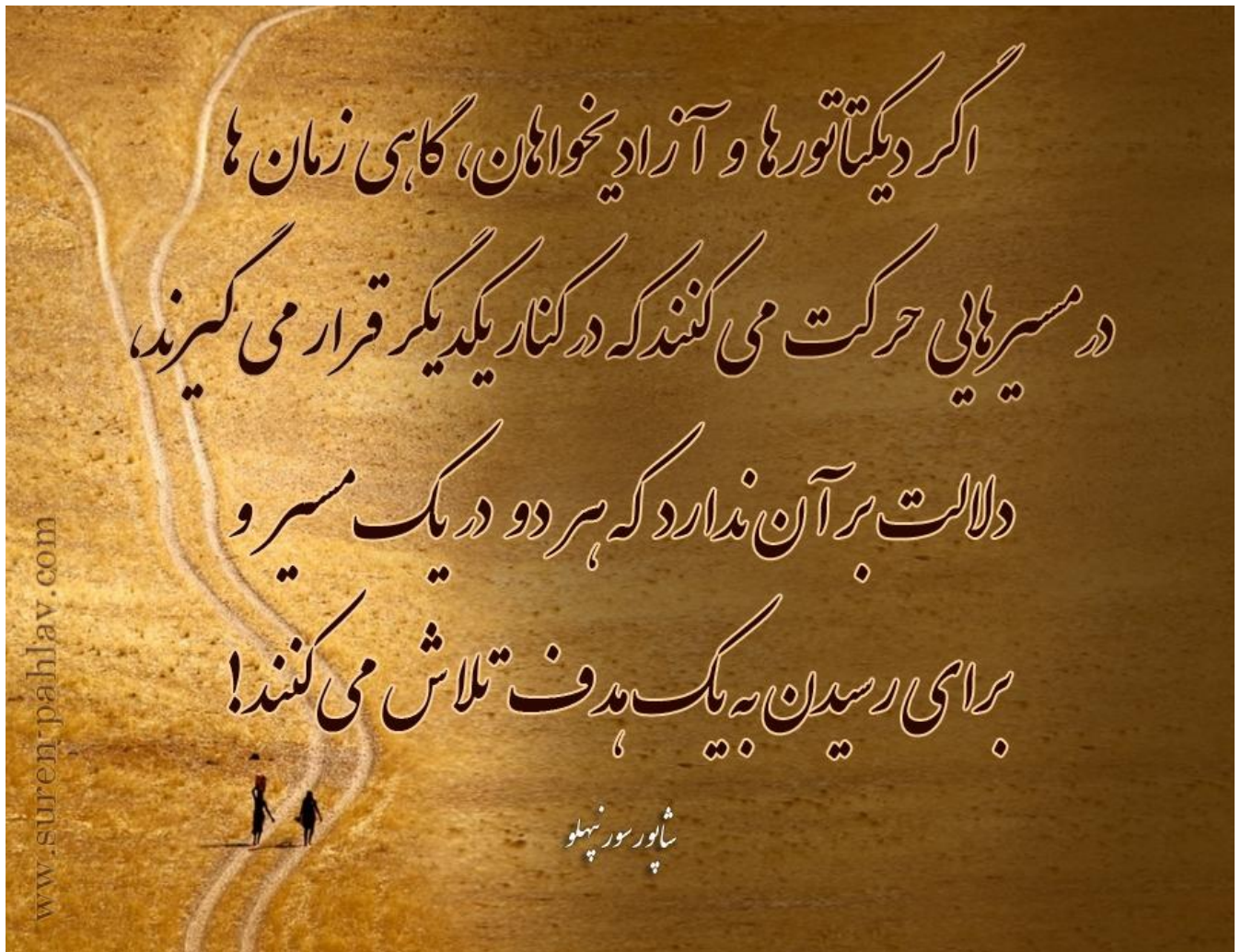




امروز منطق برخی که خود را "فعال سیاسی" می خوانند، این شده است که هر کس که با جمهوری اسلامی مخالفت ورزد، خود کار برای آنان دوست ملت ایران بشمار می رود و اگر کسی دهان نکوهش نسبت به آن مخالفان بگشاید، مزدور آخوندها و غیره خواهد شد؛ حتی اگر این مخالفین دلسوز، از آمریکایی ها دعوت کنند تا "آزادی و دموکراسی صادراتی" خود را در کوله پشتی های سربازانشان ریخته و به ایران بارمغان برند؛ از همان گونه آزادی هایی که آمریکایی ها برای ملت های ویتنام، افغانستان، عراق و لیبی و حتی در سال ۵۷ برای ملت ایران به ارمغان بردند!

چند هفته پیش سی تن باصطلاح زندانی پیشین و فعال سیاسی، در نامه ای به داندل ترامپ^[۱]، پس از جازدن ملت ایران به آمریکایی ها، بعنوان مسئولین جنایاتی که اعراب تروریست در پاریس، بروکسل، اورلاندو و سنبرناردینو مرتکب شده بودند، از وی برای پیاساختن ائتلافی با دیگر کشورهای غربی برای یورش نظامی به ایران دعوت بعمل آورده بودند^[۲]، که بیدرنگ با رویارویی سخت و نکوهش همه ایرانیان، بویژه مخالفین رژیم اسلامی قرار گرفته شد!

آن سی تن، که "گام زدن بر روی فرش سرخرنگ و گل باران شدن از سوی ملت ایران بعنوان قهرمانان ملی" را در رویاهای خود پرورانده بودند، ولی بجایش با "لنگه کفش های مجازی" روبرو و سرخورده و گریان وادار به واپس نشینی و خاموشی اختیار کردن شده بودند، گویا دست بدامان همپالکی های خود در ایران شده، که آنان در پاسخ به ندایشان، روز سی دی ماه، هم زمان با آتش سوزی و فروریزی ساختمان پلاسکو در تهران، پنجاه و پنج تن ایرانی که خود را فیلسوف، تحلیل گر سیاسی، فعال حقوق بشر، فعال سیاسی، فعال مدنی، زندانی پیشین، روزنامه نگار، هنرمند، نویسنده، روانشناس، فیزیکیان و عضو این کانون و آن کانون و غیره معرفی می کنند، در پشتیبانی از سی تن نامه نویس به ترامپ، بیانیه ای صادر کرده و از «کلیات و روح» آن نامه دفاع کرده اند.^[۲]

امضا کنندگان این بیانیه، بدون آنکه وارد جزئیات شوند و توضیح دهند که با کدام بخش از آن نامه سی تن موافق و یا مخالفند، ایرانیانی که آن نامه را به نقد کشانده بودند، محکوم کرده و مدعی شده اند که "ترور شخصیت، برچسبزی و تخطئه فعالیت های سیاسی و مدنی" بوده است! گذشته از آنکه خود این پنجاه و پنج تن اکنون با بیانیه اشان دست به "ترور شخصیت، برچسبزی و تخطئه فعالیت های سیاسی و مدنی" زده اند، نیز بایستی چند نکته را در باره بیانیه این نخبگانِ کودک اندیش و دیگر کسانی که از آن نامه دفاع کرده بودند، روشن ساخت!

نکته یکم: این پنجاه و پنج تن متوجه نشده اند، که مخالفت با نامه آن سی تن، (بجز آنکه چرا ایرانی بایستی دست بدامان بیگانه برای آزادی کشورش بشود)، بدان خاطر بود که چرا از آمریکایی ها برای یورش نظامی به ایران دعوت کرده اند.^[۳] اگر آن سی تن، بجای دعوت از آمریکایی ها در به خاک و خون کشاندن هم میهنانشان و نابودی ایران، به نقض حقوق بشر

در ایران اشاره کرده بودند و خواهان پشتیبانی برای بزیر کشاندن رژیم روضه خوانان از راه های سیاسی و مدنی صلحجوبانه شده بودند، به گمان زیاد از سوی بیشتر نکوهش گران، نه تنها مورد سرزنش قرار نمی گرفتند، بلکه از حرکتشان نیز پشتیبانی می شد!

نکته دوم: این پنجاه و پنج تن اپوزیسیون نیستند - بلکه "خوداپوزیسیون-پندارند!"

نظام حاکم بر ایران، یک نظام استبدادست و پارلمانی رفتار نمی کند که "اپوزیسیون های گوناگونی" همچون کشورهای دموکرات داشته باشد که قانونی عمل کنند. بنابراین، معنای اپوزیسیون در کشورهایی استبدادی همچون ایران، به کسی یا نهادی اطلاق می شود، که خواهان براندازی و تغییر نظام باشند، نه آنکه سرخاب بدست در پی باسمة کاریش بر آمده تا آن را اصلاح پذیر جلوه دهند!

اکثر این پنجاه و پنج تن، در اصل "مخالفین جناح حکومتی" هستند، که نه تنها به بقا و پایداری نظام جمهوری اسلامی پایبند و معتقدند، بلکه در گذشته با دفاع از "جناح حکومتی اصلاح طلبان"، به بقا و مشروعیت بخشیدنش یاری رسانده اند، که غیرمستقیم در همه پلیدی ها و جنایات رژیم شریک و سهیم می باشند! بنابراین، همه ی هم و غم این عده، نبود آزادی و دموکراسی در ایران نیست، بلکه چرا بجای دژخیم سیاهپوش کنونی، آن دژخیم سبزپوش دیروزی بر سر کار نیست!

نکته سوم: اين عده "مدافع تفاوت آرا و آزادي فکر و اندیشه" نيستند - بلکه قاتلين آن ها مي باشند.

براي نمونه يکي از امضا کنندگان شخصي بنام سپيده پورآقايي است که خود را فعال مدني و "عضو کميتهي صيانت از آراي ستاد انتخاباتي مهدي کروي" معرفي مي کند؛ - يعني او کسيست، که براي بر سرکار آوردن مهدي کروي تلاش مي کند! همان مهدي کروي که به همراه اکبر هاشمي رفسنجاني شريک در قتلهاي زنجيرهائي، ترور نويسندگان و فعالين مدني بوده و يکي از مسببين کشتار آزادي ها از جمله آزادي بيان، آزادي فکر و اندیشه در ايران بوده است! پس چنين شخصي که از قاتل آزادي ها در ايران دفاع مي کند، نمي تواند ادعا کند، که خواهان "احترام به تفاوت آرا و آزادي فکر و اندیشه" است؟!

نکته چهارم: محکوم کردن "جنايتهائي چون اعدامهاي بيضابطهي دهه شصت، قتل عام مخالفان سياسي در سال ۶۷"، و درعين حال دفاع از عاملينش!

نخست، همه ي امضا کنندگان اين بيانيه از جناح حکومتي اصلاح طلبان بوده و بجز آنکه در زمان راي گيري هاي انتصابي رياست جمهوري، بويژه در زمان انتصاب حسن روحاني، مردم را به راي دادن نمائشي و مشروعيت بخشيدن به رژيم ايراني-کُش آخوندي، ترغييب و تشويق مي کردند، بلکه از طرفداران سيدميرحسين موسوي مي باشند! سيدميرحسين موسوي، نخست وزير پيشين و نورچشمي سيدروح الله خميني، کسيست که به همراه هاشمي رفسنجاني عامل کشتار چندين هزارتن فعال سياسي در دهه شصت بوده است!

دوباره این عده نمی توانند، جنایتهایی همچون "اعدامهای سیاسی بیضابطه‌ی دهه شصت، قتل عام مخالفان سیاسی در سال ۶۷" را محکوم کنند، و در عین حال نه تنها مرید و پیرو عامل آن ها باشند، بلکه برای بقدرت رساندنش نیز تلاش نکنند؟! برای یادآوری از جنایات میرحسین موسوی همین جمله او بس است که در گفتگو با تلویزیون اتریش از جنایاتش دفاع کرده و گفته بود: "این توطئه ای بر علیه انقلاب بود که ما می بایستی آن را در هم می شکستیم" ... "ما در این مورد هیچ گذشتی با ضد انقلابیون نداریم[۴]!"

دوم، اعدام هر شخصی بخاطر دگر اندیشی و باورهایش، چه سیاسی و چه دینی باشند، عملی است غیرانسانی و در سراسر جهان متمدن محکوم می باشد، و ضابطه و بیضابطگی و معیار و ترتیب هم ندارد که این عده "اعدامهای بیضابطه" را محکوم کرده اند! به دگر گفته ای، این عده با اعدام های سیاسی و عقیدتی در کشور از سوی نظام موافق و همراه می باشند، تنها با شیوه و چگونگی (بی ضابطگی) آن مشکل دارند!

تفاوت میان اصلاح طلب و اصولگرا، تفاوت میان کفتار راه راه و کفتار خالدار است!

شاپور سورنپهلو



www.suren-Pahlav.com

نکته پنجم: گویا امروز بخاطر قحط الرجالی و حاکمیت سطحی نگری، ویژگی "اکوان دیوی" [۵] در فرهنگ سیاسی ایران نهادینه شده است! بگفته ای دیگر، هر آنچه که جمهوری اسلامی بگوید، پس طبیعتاً خلاف آن بایستی "مبارزه" با رژیم بشمار آید، از جمله اگر جمهوری اسلامی بر ضد آمریکا سخن گوید، شخصی همچون داندل ترامپ با اندیشه های مرتجعانه نژادپرستی و زنستیزی، مبدل به فرشته ای برای ملت ایران می شود؛ یا اگر رژیم بر ضد اسرائیل سخن براند، بنیامین نتانیاهو مبدل به قبله عالم و دوستدار ایران می شود - یا این پنجاه و پنج تن، که به نکوهش گران آن نامه، انگ "پشتیبانی از رژیم اسلامی و در راستای سیاست هایش حرکت کردن" می زنند!

این خام اندیشان، هنوز متوجه نشده اند، که «اگر دیکتاتورها و آزادخواهان، گاهی زمان ها در مسیرهایی حرکت می کنند که در کنار یکدیگر قرار می گیرند، دلالت بر آن ندارد که هر دو در یک مسیر و برای رسیدن به یک هدف تلاش می کنند». بنابراین زمانی که جمهوری اسلامی با هر گونه یورش نظامی به ایران مخالفت می رود، نه بخاطر آنست که نگران ایران یا جان ملت باشد، بلکه نگران بقای خود است - ولی مخالفت ایرانیان میهنپرست، بر عکس نظام، بخاطر بقا، حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران و جلوگیری از به خاک و خون کشاندن هم میهنانشان از سوی یگانگان می باشد!

پایان سخن

”بورش نظامی به ایران خط قرمزی برای هر ایرانیست، که سرسوزنی شرافت و انسانیت در هستی اش وجود دارد”، و هر کسی غیر این بخواهد، با رژیم جمهوری اسلامی، دیگر ایرانیان و خونخواران تاریخ تفاوتی نخواهد داشت. نیز، در زیر درفش بیگانه یا در کنار دژخیمان حاکم بر کشور ایستادن و دم از دموکراسی و آزادی زدن، بجز آنکه مضحکانه و خودفريبی است، بلکه وطنفروشی و خیانت به ایران و توهینيست به همه آنانی که جان و هستی خود را فدای استقرار دموکراسی و آزادی کرده اند، از مشروطه تا به امروز – که روزی بایستی پاسخگوی همکاری ها و شراکت مستقیم و غیرمستقیم در جنایات رژیم در پیشگاه ملت شریف ایران و در دادگاه های ملی و جهانی باشند.

شاپور سورنپهلو

ششم بهمن ماه ۳۷۵۴ بهدینی

۲۵ ژانویه ۲۰۱۷ ترسایی

” ۱ - رژیم ایرانفروش و مخالفین نادان: پیرامون نامه نویسی سی تن باصطلاح مخالف جمهوری اسلامی به ترامپ“

۲ - اعلام حمایت ۵۵ فعال، روزنامهنگار و نویسنده از «کلیات» نامه ۳۰ مخالف سیاسی به ترامپ -
<http://taghato.net/article/30880>

۳ - امضاکنندگان در متن انگلیسی آن می نویسند: ”ما بر این باوریم، که ایالات متحده بایستی در همه جبهه ها، با هر ابزاری که در اختیار دارد، با رفتارهای زیانبار سپاه پاسداران در منطقه، رویارویی کند!“ ولی سپاه پاسداران در سراسر کشور و میان مردم پخش و در جای ویژه ای تمرکز ندارند، که ایالات متحده بتواند با آنان رویارویی کند، بدون آنکه ایران را نابود نسازد! همچنین، همه کارشناسان نظامی غربی و اسرائیلی، بر این باورند که نهایتاً تنها راه متوقف ساختن برنامه های موشکی رژیم، حمله نظامی به ایران است. به این دو منبع زیر رجوع شود:

– Military Strike Analysis: <http://www.iranintelligence.com/miloptiononly>

–Options in Dealing with Iran’s Nuclear Program: [
[https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/100323_Options_todeal
with_Iran.pdf](https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/100323_Options_todeal_with_Iran.pdf)]

۴ – منبع شماره ۱ در: “[آقای موسوی دم خروس را باور کنیم یا قسم ...؟](#)”